

کتاب حلبی منبعی مکتوب در تألیف الکافی

احسان سرخه ای

چکیده

نوشته حاضر - که بخشی از طرح بازسازی کتاب حلبی است - می‌کوشد تا روایات عبیدالله و محمد حلبی در کتاب الکافی را بررسی کند و آنها را با سلسله اسناد منابع دیگر حدیثی مقایسه کند و روشن سازد که مقصود از حلبی، اگر به صورت مطلق ذکر شود، کدام یک از دو برادر است. از این رو، ابتدا به معرفی خاندان حلبی پرداخته و سپس از دو برادر سخن گفته و به روایات این دو در کتاب الکافی پرداخته است.

کلید واژه‌ها: منابع حدیثی، الکافی، عبیدالله حلبی، محمد حلبی، کتاب حلبی.

درآمد

مقاله حاضر، بخشی از طرح «بازسازی کتاب عبید الله بن علی حلبی» است. این طرح - که می‌تواند در ادامه، تدوین مجموعه روایات آل ابی شعبه را نیز به دنبال داشته باشد - می‌کوشد تا:

الف. روایات خاندان حلبی را از مجموعه منابع حدیثی گردآوری کند؛

ب. با بررسی اسناد مندرج در منابع حدیثی، کشف کند که در هر دسته از سلسله اسناد روایات، از عبیدالله حلبی با چه نام یا تعبیری یاد شده است؛

ج. تا حد امکان، احراز کند که کدام یک از روایات از کتاب مشهور حلبی و کدام یک از روایات شفاهی او اخذ شده است؛

د. با بررسی سلسله اسناد و جستجو در متون حدیثی، منابع احتمالی کتاب حلبی را بیابد؛

ه. طرق کلینی، صدوق و شیخ طوسی به روایات کتاب حلبی را گردآورد و پس از دسته‌بندی آنها، طرق مشهور به کتاب حلبی را شناسایی کند؛

و. رجال موجود در این طرق را بررسی کند و به کشف این نکته بپردازد که کدام یک از راویان، بدون آن که خود مؤلف کتابی باشند، روایات حلبی را نقل کرده‌اند و کدام یک از آنان خود صاحب کتابی هستند و چه بسا روایات کتاب حلبی را نیز در کتاب خود درج کرده‌اند؛

ز. در نهایت، روایات کتاب حلبی را بر اساس عنوان‌گذاری فقهی در کتب اربعه و وسائل الشیعه دسته‌بندی کند.

این مقاله، حاصل بخش کوتاهی از این طرح است که روایات عبید الله حلبی و برادرش محمد را به عنوان یکی از منابع کلینی در تألیف *الکافی* بررسی می‌کند؛ با این حال، در بررسی اسناد *الکافی*، به مقایسه با سلسله اسناد منابع دیگر حدیثی نیز می‌پردازد. اسناد روایات محمد از آن رو تنظیم شده که با مقایسه اسناد مشابه، معلوم شود مقصود از تعبیر حلبی، به گونه مطلق در روایات، عبید الله است یا برادرش محمد؟

خاندان حلبی، عبید الله و محمد بن علی

الف. خاندان حلبی، خانواده ای از محدثان متقدم شیعی
خاندان حلبی یا آل ابی شعبه، از خانواده‌های علمی شیعه در عصر امام حسن و امام حسین □ تا امام رضا □ بوده‌اند. از این خاندان برجسته، محدثان و راویان چندی برخاسته‌اند که همگی آنان را از راویان ثقه و مورد اعتماد دانسته‌اند.¹ خاندان حلبی اهل کوفه بودند، اما از آنجا که برای تجارت به حلب رفت و آمد می‌کردند، به حلبی مشهور شدند.²

سرسلسله این خاندان، ابوشعبه است که در شمار راویان از حسنین □ از او یاد شده است.³ برای ابوشعبه فرزندی به نام‌های علی،⁴ عمر⁵ و عیص⁶ یاد کرده‌اند. علی بن ابی شعبه فرزندی به نام‌های عبید الله،⁷ عبد الاعلی،⁸ عمران⁹ و محمد¹⁰ داشته است. عمران فرزندی با نام یحیی داشت که از راویان امام صادق □ و شاگردان آن حضرت به شمار می‌رود و خود نیز مؤلف کتابی بوده است.¹¹ از عمر بن ابی شعبه نیز فرزندی با نام احمد می‌شناسیم که از راویان امام کاظم و امام رضا □ بوده و کتابی نیز داشته است.¹²

عبیدالله و برادرش محمد - که هر دو در حیات امام صادق □ درگذشتند -¹³ در زمره راویان امام صادق □ و مؤلفان کتاب‌اند. مشهورترین عضو خاندان حلبی، عبید الله بن علی حلبی از اصحاب گرانقدر امام جعفر صادق □ و از راویان مشهور شیعی است.¹⁴

1. رک: رجال النجاشی، ص 230.

2. همان.

3. همان.

4. رجال علامه الحلی، ص 103.

5. رجال البرقی، ص 36؛ رجال الطوسی، ص 253.

6. برقی (رجال البرقی، ص 41) از فردی با نام عیص بن ابی شعبه در شمار راویان و اصحاب امام نام می‌برد که ظاهراً باید فرزند ابوشعبه مورد بحث ما باشد. این احتمال نیز دور از ذهن نیست که عیص تصحیف عمر باشد، و این دو، یک تن باشند، که برقی (یا کاتبان کتاب او) نام آنان را به اشتباه جداگانه آورده است.

7. رجال البرقی، ص 23؛ رجال النجاشی، ص 230؛ رجال الطوسی، ص 234؛ الفهرست، ص 305.

8. رک: رجال النجاشی، ص 98.

9. رجال الطوسی، ص 256.

10. رجال البرقی، ص 20؛ رجال النجاشی، ص 325؛ رجال الطوسی، ص 145، 290؛ الفهرست، ص 385.

11. رجال البرقی، ص 20؛ رجال النجاشی، ص 444؛ رجال الطوسی، ص 323، 346؛ الفهرست، ص 501.

12. رجال النجاشی، ص 98. در الفهرست طوسی نامی از او نیست.

13. رک: رجال الکشی، ص 483.

ب. عبید الله بن علی حلبی و کتابی معتبر در تاریخ حدیث شیعی

آنچه به عبید الله حلبی ویژگی خاصی می‌بخشد، آن است که وی مؤلف کتابی است که نخستین مصنف شیعی به شمار می‌رود. چنان‌که مشهور است، کتاب حلبی به تأیید امام جعفر صادق (ع) رسیده و امام (ع) با تعبیر «أثری لهؤلاء مثل هذا» آن را ستوده‌اند.¹⁵ صدوق در مقدمه *الفقیه* از کتاب حلبی به عنوان یکی از منابع مورد اعتماد شیعی در تألیف جامع فقهی خود نام می‌برد¹⁶ و قاضی نعمان نیز در *الایضاح* روایات بسیاری را از آن نقل می‌کند.¹⁷

بنا بر اشاره سید مرتضی، کتاب حلبی تا قرن پنجم به عنوان یک اثر روایی ارجمند موجود بوده است.¹⁸ کتاب حلبی دو نسخه کبیر و صغیر داشته است. از گزارش‌های نجاشی و شیخ طوسی می‌توان دریافت که این دو نسخه در آن دوره‌ها کاملاً از یکدیگر متمایز بوده است. شیخ طوسی از قول ابو عیسی مصری می‌گوید که تلعبری «نسخه کبیره» کتاب حلبی را روایت می‌کرد.¹⁹ همچنین نجاشی می‌نویسد که محمد بن عبد الله بن عمرو لاحقی نسخه‌ای را از امام رضا (ع) روایت می‌کرد که به کتاب حلبی شباهت داشت و همانند آن «مبوبة کبیره» بود.²⁰

نجاشی اشاره می‌کند که میان نسخه‌های کتاب حلبی در آغاز آنها اختلافاتی اندک هست:

النسخ مختلفة الأوانل، و التفاوت فیها قریب.²¹

او در ادامه، می‌افزاید که جمع زیادی از علمای امامیه این کتاب را به طرق بسیار روایت کرده‌اند، اما وی، بنا بر عادت خود، تنها یک طریق برای روایت آن ذکر می‌کند.²² طریقی که نجاشی برای روایت خود از کتاب حلبی یاد می‌کند، چنین است:

أخبرنا غیر واحد، عن علی بن حبشی بن قونی الکاتب الکوفی، عن حمید بن زیاد، عن عبید الله بن أحمد بن نهیک، عن ابن أبي عمیر، عن حماد عن الحلبي.²³

14. ر.ک: *رجال النجاشی*، ص 231، که از عبید الله با عنوان کبیر و وجه آل ابوشعبه یاد می‌کند.
15. *فهرست النجاشی*، ص 230-231؛ شیخ طوسی در *الفهرست* (ص 305) می‌نویسد: «و قيل أنه عرض علی الصادق (ع)، فلما رآه استحسنة و قال: ليس لهؤلاء - یعنی المخالفين - مثله». آن گونه که پیداست، عبید الله حلبی، مؤلف تنها همین کتاب بوده و جز آن اثر دیگری نداشته است؛ چرا که صدوق در مقدمه *الفقیه* از اثر او با نام کتاب الحلبي یاد می‌کند، ولی از مجموعه تألیفات علی بن مهزیار با عنوان کتب علی بن مهزیار نام می‌برد (*الفقیه*، ج 1، ص 3). نجاشی و شیخ طوسی نیز در فهارس خود تنها یک کتاب به حلبی نسبت داده‌اند (ر.ک: *الفهرست نجاشی*، همان؛ *الفهرست*، همان). با این همه، قاضی نعمان در *الایضاح* دو کتاب جداگانه با نام‌های *المسائل* و *الجامع* به حلبی نسبت می‌دهد (ر.ک: «درنگی در منابع مکتوب الایضاح»، ص 142 - 143).
16. *الفقیه*، ج 1، ص 1.
17. ر.ک: «درنگی در منابع مکتوب الایضاح»، ص 142.
18. ر.ک: *رسائل شریف مرتضی*، ج 1، ص 279.
19. *رجال الطوسی*، ص 431.
20. همان، ص 366.
21. همان، ص 231.
22. همان.
23. همان.

شیخ طوسی، در *الفهرست* خود، سه طریق برای روایت کتاب حلبی یاد می‌کند؛ بدین ترتیب:

- [1] أخبرنا به الشيخ المفيد □، عن أبي جعفر ابن بابويه، عن أبيه، و محمد بن الحسن جميعاً، عن سعد بن عبد الله، و عبد الله بن جعفر الحميري، عن أحمد و عبد الله ابني محمد بن عيسى الأشعري، عن محمد بن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن الحلبي.
- [2] و أخبرنا به ابن أبي جید، عن ابن الوليد، عن الصفار، عن أحمد بن محمد، عن ابن أبي عمير، عن حماد، عن الحلبي.
- [3] و أخبرنا به جماعة، عن التلعكبري، عن أبي عيسى عبيد الله بن محمد بن الفضل بن هلال الطائي، قال: حدثنا أحمد بن علي بن النعمان، قال: حدثنا السندي بن محمد البراز، قال: حدثنا حماد بن عثمان ذو الناب عنه.²⁴

ابوغالب زراری در رساله خویش، طریق روایت خود به کتاب عبید الله بن علی حلبی را چنین یاد می‌کند:

حدثني به جدي أبو طاهر محمد بن سليمان، عن علي بن الحسن بن فضال، عن محمد بن عبد الله بن زرارة، عن ابن أبي عمير، عن حماد، عن الحلبي.²⁵

صدوق در *معانی الأخبار*، به نکته جالبی درباره احتمال تصرفی اندک از سوی یکی از راویان اصلی کتاب حلبی در متن آن اشاره می‌کند. او می‌گوید:

قال مصنف هذا الكتاب: سمعت شيخنا محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد يقول: سمعت محمد بن الحسن الصفار، يقول: كل ما كان في كتاب الحلبي، و في حديث آخر، فذلك قول محمد بن أبي عمير □.²⁶

ج. کتاب محمد بن علی حلبی و راوی آن

محمد بن علی حلبی (برادر عبید الله) نیز از محدثان متقدم شیعی است که صاحب کتابی نیز بوده است. نجاشی کتاب او را مبوَّب و در حلال و حرام معرفی کرده است. وی طریق خود به کتاب محمد بن علی حلبی را این گونه بیان می‌کند:

أخبرنا ابن نوح عن البروفري، عن حميد قال: حدثنا الحسن بن محمد بن سماعة قال: حدثنا الحسين بن... عن ابن مسكان عنه.²⁷

نجاشی در ذیل نام عبدالله بن مسکان می‌نویسد که اکثر روایات کتاب ابن مسکان در حلال و حرام از محمد بن علی حلبی است.²⁸

ابوغالب در رساله خود (*رساله أبي غالب*، ص 161) طریق روایت خود به کتاب محمد حلبی را چنین یاد می‌کند:

24. *الفهرست*، ص 305-306.

25. *رساله أبي غالب*، ص 157، 162. همچنین در *رجال الطوسي*، ص 452، فاطمه بنت هارون بن موسی بن الفرات (از مشایخ تلکبری)، از طریق جدش موسی بن فرات و او از محمد بن ابی عمیر، کتاب عبید الله بن علی الحلبي را از حلبی روایت می‌کرد. با توجه به سلسله اسنادی که از ابوغالب زراری، نجاشی، شیخ طوسی یاد کردیم، پیداست که نام حماد بن عثمان در میان ابن ابی عمیر و حلبی می‌باید به این سند افزوده شود.

26. *معانی الأخبار*، ص 150، ح 3.

27. *رجال النجاشي*، ص 325.

28. همان، ص 214.

فهرست اسناد روایات عبید الله و محمد بن علی حلبی در الکافی

در این بخش، فهرست غیرتکراری اسناد روایات عبید الله بن علی حلبی و برادرش محمد - که در *الکافی* آمده - تنظیم شده است. در این فهرست، سلسله اسناد، با توجه به طبقه روایان، از اولین راوی کتاب تا کلینی نظم یافته است. تعداد تکرار هر سند در *الکافی* در پایان هر سند در میان کمانک آمده است.³⁰ درباره این فهرست، باید به چند نکته توجه داشت:

- الف. در مواردی که نام امام □ ذکر نشده، روایت منقول از ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق □ است؛
 - ب. در نقل سلسله اسناد از متن نسخه چاپ شده کتاب *الکافی* پیروی کرده‌ایم و نتایج حاصل از تحلیل اسناد را تنها در پانوشته‌ها آورده‌ایم؛ اما مواردی که در قلاب قرار گرفته، تکمیل تعلیق اسناد با توجه به روایت قبل از روایت مورد بحث (یا چند روایت قبل از آن) در *الکافی* است؛
 - ج. در ترتیب اسانید، از چپ به راست نام مؤلف و سپس تشابه نام راوی بعد از مؤلف و ... تا آخرین راوی، ملاک تنظیم قرار گرفته است؛
 - د. در تنظیم اسناد، اصطلاحات و تعابیر خاص و صریح موجود از هر مؤلف / راوی در روایت نقل شده از حلبی، شناسایی و فهرست شده است.
- بر اساس همین فهرست، تحلیل‌های خود را در بخش پایانی ارائه خواهیم کرد.

یک. فهرست غیر تکراری روایات الکافی از عبید الله بن علی بن ابي شعبه الحلبي

1. علی بن ابراهیم < أبیه > محمد بن ابی عمیر < حماد بن عثمان > عبید الله بن علی الحلبي (1).³¹
2. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان > عبید الله الحلبي (1).³²
3. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان > الحلبي (43).³³
4. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان > الحلبي و زرارہ (1).³⁴

29. رسالة أبي غالب، ص 161.

30. تنظیم این فهرست با بهره از نرم‌افزار جامع الاحادیث (تولید مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی - قم) صورت گرفته، و ارجاعات ما به منابع نیز بر پایه متونی است که در این نرم‌افزار مندرج است.

31. الکافی، ج 5، ص 356.

32. همان، ج 3، ص 46.

33. همان، ج 3، ص 157، 166، 178، 185، 187، 188، 206، 321، 336، 353، 357، 367 - 373، 377، 382، 427، 563؛ ج 4، ص 121، 125، 266، ص 337، 343، 400؛ ج 5، ص 88، 175، 187، 195، 393، 406، 408، 522؛ ج 7، ص 17، 168، 214، 219، 232، 234، 358، 380؛ ج 8، ص 108.

34. تهذيب الأحكام (ج 3، ص 198، ح 3) با نقل این روایت از *الکافی* می‌گوید: «عن الحلبي، عن زرارة»، اما در *الفقيه* (ج 1، ص 167، ح 486) در سند همین روایت آمده: «روى زرارة و عبید الله بن علی الحلبي». بنا بر این، با توجه به سند بعدی و سند موجود در *الفقيه*، عبارت *الکافی* صحیح است.

35. الکافی، ج 3، ص 206.

5. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان > الحلبي < زراره > أبی جعفر و
أبی عبد الله (1).³⁶
6. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي < زراره > (1).³⁷
7. علی بن ابراهیم بن هاشم < أبیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان > الحلبي (1).³⁹
8. علی < أبیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان > الحلبي (2).⁴⁰
9. علی < أبیه > ⁴¹ حماد بن عثمان < الحلبي (1).⁴²
10. علی بن ابراهیم < أبیه > و محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی جميعاً⁴³ < ابن ابی
عمیر < حماد بن عثمان > الحلبي (1).⁴⁴
11. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان > الحلبي (1).⁴⁵
12. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي (297).⁴⁷

36. همان، ج 3، ص 185.
37. در مجموعه کتب اربعه، *وسائل الشیعة و بحار الانوار*، تنها همین روایت است که به سند «الحلبی، عن زرارة» آمده است و هیچ روایتی که از عبید الله حلبی، عن زرارة باشد، یافت نمی شود. البته در *الفقیه* (ج 1، ص 393، ح 1164) در نقل روایتی آمده: «روی عبید الله بن علی الحلبي، عن زرارة، عن أبی عبد الله □». اما همان روایت را نیز، *تهذیب الأحکام* (ج 2، ص 317، 349) با این سند نقل می کند: «احمد بن محمد، عن ابن ابی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن عبید الله الحلبي، عن أبی عبد الله □». بنا بر این، جز روایت متن، سندی که ثابت کند عبید الله از زرارة روایت کرده، در دست نیست؛ هر چند روایات متعددی به اسناد دیگر، از محمد الحلبي، عن زرارة وجود دارد (ر.ک: *الكافي*، ج 5، ص 529؛ *المحاسن*، ج 1، ص 121؛ *تفسیر العیاشی*، ج 2، ص 224؛ *ثواب الأعمال*، ص 242).
38. *الكافي*، ج 3، ص 183.
39. همان، ج 3، ص 310.
40. همان، ج 4، ص 332، ج 6، ص 100.
41. با مقایسه بقیه اسناد به روشنی پیداست که عبارت «عن ابن ابی عمیر» از این سند ساقط شده است. در *نقل تهذیب الأحکام* (ج 5، ص 93، ح 114) از *الكافي* نیز همین اشکال وجود دارد.
42. *الكافي*، ج 4، ص 336.
43. تحویل سند به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن ابی عمیر. [2] محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی جميعاً، عن ابن ابی عمیر.
44. *الكافي*، ج 6، ص 202.
45. همان، ج 3، ص 48.
46. در بعضی موارد، سند فوق، مضمّن است و یا نام امام □ برده نشده است. این موارد عبارتند از: *الكافي*، ج 4، ص 335، ح 1؛ ج 4، ص 497، ح 4؛ ج 5، ص 235، ح 11. شایان یادآوری است که روایت اخیر در *الفقیه* (ج 3، ص 310، ح 4110) و *الاستبصار* (ج 3، ص 118، ح 1) به صورت مسند از ابی عبد الله □ نقل شده است.
47. *الكافي*، ج 1، ص 451، 546، ج 2، ص 82، 148، ج 3، ص 4، 12، 33، 34 (دو مورد)، 43، 49، 51، 54، 56، 63، 75، 121، 124، 138، 143 - 144، 161، 183 - 184، 186، 189، 194، 251، 273، 286، 294، 300، 302 - 304، 305، 318، 341، 349، 356، 364 - 366، 380، 383، 386، 388، 396، 398، 410، 425، 431، 439، 443، 445، 452، 512، 524؛ ج 4، ص 92، 96، 101، 106، 112، 114، 114، 120 (دو مورد)، 120، 123، 124، 126، 128، 131، 135، 138، 168، 175 (دو مورد)، 176 (دو مورد)، 178، 226، 232، 269، 273، 292، 319، 323، 329، 331، 335، 340 - 341، 344، 349، 354، 360 - 361، 375، 383، 394 - 396، 439، 441، 443، 445، 462، 463، 482، 489 (دو مورد)، 490 - 491، 494، 497، 500، 509، 511، 518، 533 (دو مورد)، 541؛ ج 5، ص 42، 145، 164 - 165، 170، 174، 176 - 177، 179، 181، 183 - 184، 188 - 189، 193 (دو مورد)، 197، 201، 210، 212، 221، 223، 235، 238، 240 - 241، 243 (دو مورد)، 245، 247، 249، 253 - 254، 258 - 259، 266، 267 (دو مورد)، 268 - 269،

13. علی بن ابراهیم < ابیه < ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان < عبید الله الحلبي و محمد بن مسلم⁴⁸ (1).⁴⁹
14. علی بن ابراهیم < ابیه < ابن ابی عمیر < حماد < الحلبي و محمد بن مسلم (5).⁵⁰
15. علی بن ابراهیم < ابیه < ابن ابی عمیر < جمیل < أبی عبد الله □ و حماد بن عثمان⁵¹ < الحلبي (1).⁵²
16. علی بن ابراهیم < ابیه < ابن ابی عمیر < حماد < الحلبي < جمیل⁵³ و هشام (1).⁵⁴
17. علی بن ابراهیم < ابیه < ابن ابی عمیر < جمیل و حماد⁵⁵ < الحلبي (1).⁵⁶
18. علی بن ابراهیم < ابیه < ابن ابی عمیر < حماد < الحلبي < ابی العباس⁵⁷ (1).⁵⁸
19. علی بن ابراهیم < ابیه < ابن ابی عمیر < حماد < الحلبي بن ابی شعبه⁵⁹ قال: أخبرني ابن ابی ایوب (1).⁶⁰

-
- 272 - 274, 284, 307, 352, 359, 379, 391, 407, 415, 418, 426 (دو مورد)، 427, 432, 434 - 435, 437, 441, 443 - 444, 445 (دو مورد)، 472 - 475, 476, 479, 485, 490 ج6، ص41, 60, 69, 72, 79, 82 - 83, 89, 109 (دو مورد)، 110, 114, 117 - 118, 123, 126, 136, 139, 144 - 147, 163 - 164, 170, 171 (دو مورد)، 178, 180, 182 (دو مورد)، 187, 197, 205, 212 - 213, 216 - 217, 227, 231, 233 - 234, 236, 245 (دو مورد)، 260, 267, 272, 383, 481, 502, 534, 552؛ ج7، ص4, 34, 41, 56, 134, 141, 151, 160, 163, 169, 193, 196 - 197, 206, 224, 227, 236, 240, 251, 274, 279, 290, 298 (دو مورد)، 304, 311, 318, 322, 326, 328, 351, 353, 356, 360, 370, 386, 390, 393, 415, 441 (دو مورد)، 449 - 450, 453, 456.
48. تحویل در این سند و سند بعدی به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن عبید الله الحلبي. [2] علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن محمد بن مسلم.
49. الکافی، ج7، ص48.
50. همان، ج5، ص490؛ ج6، ص164، 197؛ ج7، ص169.
51. حماد بن عثمان عطف به جمیل است و ابن ابی عمیر از هر دو نقل نموده است.
52. الکافی، ج7، ص32.
53. در تهذیب الأحکام (ج6، ص229، ج4) در نقل همین روایت با سند فوق آمده است: «عن حماد، عن الحلبي و جمیل و هشام». به قرینه سند قبل و با توجه به این که در سند، هیچ روایتی جمیل به عنوان راوی از حلبي نیامده، می‌توان پی برد که در سند الکافی نیز به جای «الحلبي عن»، باید «الحلبي و» صحیح باشد. از نظر طبقه نیز جمیل با حماد در یک طبقه است، بنا بر این، سند مذکور تحویل شده و ابن ابی عمیر از «حماد از حلبي» و «جمیل» و «هشام» روایت می‌کند.
54. الکافی، ج7، ص415.
55. در وسائل الشیعة (ج29، ص195، ح35431) در سند این روایت آمده: «عن جمیل و عن حماد عن الحلبي». هر چند در برخی اسناد کافیه (ج5، ص375، 421؛ ج6، ص158؛ ج7، ص110) عبارت جمیل بن دراج و حماد بن عثمان آمده است، اما با توجه به پانویشت پیشین، ظاهراً جمیل مستقیماً از امام □ روایت می‌کند. جالب توجه است که کلینی در همان صفحه و به همین سند، مضمون همین حدیث را جداگانه از جمیل روایت می‌کند.
56. الکافی، ج7، ص281.
57. مراد از ابی العباس، فضل بن عبد الملك البقباق است. رک: رجال الکشی، ص336 (که مضمون همین روایت را با سندی دیگر از ابو العباس فضل البقباق نقل کرده است) و 383 (که همین روایت با اختلاف تکرار شده است).
58. الکافی، ج7، ص370.
59. متن روایت در الکافی چنین است: «أن ابا عبد الله □ کان يأکل متبرعاً، قال: و رأیت ابا عبد الله □ يأکل متکنناً، قال: و قال: ما أکل رسول الله □ و هو متکى قط». متن و سند این روایت در نقل دیگران از الکافی، با متن چایی و نیز با همدیگر اختلاف دارد. در تهذیب الأحکام (ج9، ص93، ح136) آمده است: «عن الحلبي، عن ابن ابی شعبه قال: أخبرني أبی أنه رأى أبا عبد الله □ متبرعاً، قال: و رأيت...» و در وسائل الشیعة (ج24، ص249، ح30463) آمده است: «عن

20. علی بن ابراهیم < ائیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبی و ابن سنان ⁶¹ (1).⁶²
21. علی بن ابراهیم < ائیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبی و عبد الله بن سنان (1).⁶³
22. علی < ائیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبی و عبد الله بن سنان (1).⁶⁴
23. علی بن ابراهیم < ائیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبی < عبد الله بن المغیره > عبد الله بن سنان (1).⁶⁵
24. [عدة من أصحابنا < سهل > احمد بن محمد < داود بن سرحان و علی بن ابراهیم < ائیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبی (1).⁶⁶
25. علی < ائیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبی (20).⁶⁷

الحلبی بن علی بن ابی شعبه أنه رأى أبا عبد الله □ مترباً قال: و رأيت...، این دو نقل، احتمال تصحیف در عبارت ابن ابی ایوب را به شدت تقویت می‌کند. چه بسا حلبی این واقعه را از جدش نقل می‌کند؛ یعنی «الحلبی عن ابی شعبه» صحیح باشد. از سوی دیگر، در **الفقیه** (ج 3، ص 354، ح 4249) آمده است: «روی عن عمر بن أبی شعبه قال: رأیت أبا عبد الله □ يأكل متکناً ثم ذکر رسول الله □ فقال ما أكل متکناً حتى مات. و روی عن حماد بن عثمان، عن عمر بن أبی شعبه، عن أبی شعبه أنه رأى أبا عبد الله □ يأكل مترباً» (نیز، ر.ک: **مکارم الأخلاق**، ص 146، با عباراتی مشابه عبارت **الفقیه**). هرچند حماد بن عثمان در **مشيخة الفقیه** به عنوان طریق به عمر بن ابی شعبه نقل شده، اما راوی از او جعفر بن بشیر است و آن طریق کاملاً با طریق مورد بحث متفاوت است. کلینی دو بار در **الکافی** (ج 3، ص 329؛ ج 7، ص 34) از عمر بن ابی شعبه روایت نقل می‌کند که در هر دو مورد به طریق ابن فضال از احمد بن عمر (فرزند عمر بن ابی شعبه) است و ابن ابی عمیر در آن نیست. مجموعه این قراین نشان می‌دهد که احتمال آن که عبید الله و عمر این روایت را از ابی شعبه نقل نموده باشند و کلینی از عبید الله و صدوق از عمر آن را روایت کرده باشند، بیش از این است که راوی هر دو روایت را یک تن بدانیم. البته احتمال نقل ماجرای از ابی شعبه در باره امام صادق □ با توجه به طبقه‌اش بسیار ضعیف به نظر می‌رسد. در **المحاسن** (ج 2، ص 458، ح 395) روایتی مشابه این روایت با این سند آمده است: «عنه [احمد بن محمد بن خالد البرقی]، عن ابن ابی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن عمر بن ابی سعید قال: أخبرنی أبی أنه رأى أبا عبد الله □ ...». اگر مراد از ابی سعید در این سند، ابن ابی شعبه باشد و یا ابی سعید تصحیف ابن ابی شعبه باشد، احتمال وجود روایت عمر بن ابی شعبه در کتب ابن ابی عمیر تقویت می‌شود و بدین ترتیب، روایت مذکور از کتاب حلبی نخواهد بود.

60. **الکافی**، ج 6، ص 272.
61. مراد از ابن سنان، عبد الله بن سنان است. تحویل در سند بدین صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن ائیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد، عن الحلبی، [2] علی بن ابراهیم، عن ائیه، عن ابن ابی عمیر، عن ابن سنان. طریق دوم نیز از طرق مشهور **الکافی** است.
62. **الکافی**، ج 6، ص 178.
63. همان، ج 7، ص 151.
64. همان، ج 5، ص 445.
65. یکی از طرق مشهور **الکافی**، طریق علی بن ابراهیم، عن ائیه، عن عبد الله بن المغیره، عن عبد الله بن سنان است که نزدیک سی بار در **الکافی** تکرار شده است. از این رو، باید عبارت ابن ابی عمیر و عبد الله بن المغیره را به جای ابن ابی عمیر عن عبد الله بن المغیره صحیح دانست. البته کلینی در ده مورد دیگر و به طرق مختلف، روایاتی با سند عن ابن ابی عمیر عن عبد الله بن المغیره نقل کرده است.
66. **الکافی**، ج 4، ص 120.
67. تحویل سند به این صورت است: [1] [عدة من أصحابنا، عن سهل، عن احمد بن محمد، عن داود بن سرحان. [2] علی بن ابراهیم، عن ائیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبی.
68. **الکافی**، ج 5، ص 407.
69. در **الکافی** روایت مضمّن است و با تعبیر «أنه سئل» نقل شده، اما همین روایت با اندکی تفاوت در **الفقیه** (ج 3، ص 546، ح 4882؛ ج 4، ص 311، ح 5669) با این سند آمده است: «روی حماد عن الحلبی عن ابی عبد الله □».
70. **الکافی**، 1، ص 548؛ ج 3، ص 283، 378، 409، 450؛ ج 4، ص 357، 363، 520؛ ج 5، ص 235، 445؛ ج 6، ص 103، 106، 114، 123، 130، 156، 173؛ ج 7، ص 300، 302، 349.

26. عنه [= علی بن ابراهیم] < أبیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي (5).⁷¹ Archive of SID
27. علی بن ابراهیم < أبیه و محمد بن یحیی > احمد بن محمد بن عیسی جمیعاً⁷² < ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي (3).⁷³
28. علی بن ابراهیم < أبیه و محمد بن یحیی > احمد بن محمد جمیعاً < ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي (13).⁷⁴
29. علی بن ابراهیم < أبیه و محمد بن یحیی > احمد بن محمد < ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي (1).⁷⁵
30. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر و محمد بن یحیی < احمد بن محمد جمیعاً < ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي (1).⁷⁶
31. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي و معاویة بن عمار جمیعاً⁷⁷ (1).⁷⁸
32. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < حفص بن البختري و عبد الرحمن بن الحجاج و حماد بن عثمان > الحلبي (1).⁸⁰ ⁸¹
33. علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي < معاویة بن عمار و حفص بن البختري (1).⁸³

71. الکافي، ج 2، ص 664؛ ج 3، ص 303، 365؛ ج 4، ص 140؛ ج 5، ص 242.
72. تحویل سند به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن ابی عمیر. [2] محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد بن عیسی، عن ابن ابی عمیر.
73. الکافي، ج 3، ص 513، 516؛ ج 7، ص 181.
74. همان، ج 4، ص 98، 104، 105، 109، 233، 248، 381؛ ج 5، ص 186، 387، 398؛ ج 7، ص 183، 222، 283.
75. همان، ج 5، ص 178.
76. همان، ج 4، ص 108.
77. تحویل سند به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي. [2] علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن ابی عمیر، عن معاویة بن عمار.
78. همان، ج 4، ص 331.
79. در الفقيه (ج 2، ص 320، ح 2562) در نقل همین روایت آمده است: «روی حفص بن البختري و معاویة بن عمار و عبد الرحمن بن الحجاج و الحلبي جمیعاً».
80. تحویل سند به این صورت است: [1] ابن ابی عمیر، عن حفص بن البختري. [2] ابن ابی عمیر، عن عبد الرحمن بن الحجاج. [3] ابن ابی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن الحلبي. این تحویل را می‌توان با توجه به نکات ذیل به دست آورد: [1] در الکافي (ج 4، ص 536؛ ج 8، ص 163) دو روایت دیگر با سند «علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن ابی عمیر، عن حفص بن البختري و عبد الرحمن بن الحجاج، عن أبی عبد الله □» نقل شده است. [2] طریق «ابن ابی عمیر، عن حفص بن البختري» از طرق بسیار مشهور الکافي است که بیش از شصت بار تکرار شده است. [3] طریق «ابن ابی عمیر، عن عبد الرحمن بن الحجاج» نیز از طرق مشهور الکافي است که بیش از پنجاه بار تکرار گردیده است. [4] طریق «ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي» نیز از طرق مورد بحث در همین فهرست است که نیازی به اشاره بدان نیست.
81. همان، ج 4، ص 333.
82. به قرینه اسناد قبلی و بعدی «و معاویة بن عمار» صحیح است و معاویة بن عمار و حفص بن البختري عطف به حماد شده است.
83. همان، ج 4، ص 533.

34. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي و معاوية بن عمار و حفص بن البختري (1).⁸⁴
 35. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < حفص بن البختري و معاوية بن عمار و حماد > الحلبي جميعاً⁸⁵ (1).⁸⁶
 36. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < معاوية بن عمار و حماد⁸⁷ > الحلبي جميعاً (1).⁸⁸
 37. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < معاوية و حماد > الحلبي (1).⁸⁹
 38. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < معاوية بن عمار⁹⁰ و حماد > الحلبي (1).⁹¹
 39. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < معاوية و حماد > الحلبي (1).⁹²
 40. محمد بن یحیی < احمد بن محمد و علی بن ابراهیم⁹³ > ابیه جميعاً < ابن ابی عمیر > حماد > الحلبي (1).⁹⁴
 41. علی بن ابراهیم < ابیه > محمد بن ابی عمیر < حماد > الحلبي (1).⁹⁵
 42. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن عمیر < حماد > الحلبي (1).⁹⁶
 43. علی بن ابراهیم < ابیه⁹⁷ > حماد > الحلبي (1).⁹⁸
 44. علی بن ابراهیم < ابیه > حماد > الحلبي⁹⁹ < حریر > محمد بن مسلم (1).¹⁰⁰
-
84. همان، ج 6، ص 180.
 85. تحویل سند به این صورت است: [1] ابن ابی عمیر، عن حفص بن البختري. [2] ابن ابی عمیر، عن معاوية بن عمار. [3] ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي. این نکته را با مقایسه اسناد قبل و بعد به روشنی می توان دریافت.
 86. همان، ج 4، ص 458.
 87. تحویل به این صورت است: [1] ابن ابی عمیر، عن معاوية بن عمار. [2] ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي.
 88. همان، ج 4، ص 483.
 89. همان، ج 4، ص 468.
 90. در تهذيب الأحکام (ج 5، ص 272، ح 4) و وسائل الشیعة (ج 14، ص 277، ح 19191) همین روایت از الکافي نقل شده است، اما عبارت «عن معاوية بن عمار و» در آنها نیست.
 91. الکافي، ج 4، ص 520.
 92. همان، ج 4، ص 468.
 93. تحویل سند به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي. [2] محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي.
 94. همان، ج 5، ص 185.
 95. همان، ج 5، ص 353.
 96. همان، ج 6، ص 215.
 97. با مقایسه بقیه اسناد، سقط نام ابن عمیر از سند آشکار است.
 98. همان، ج 4، ص 558.
 99. در تهذيب الأحکام (ج 9، ص 73، ح 45) و وسائل الشیعة (ج 24، ص 42، ح 29937) همین روایت از الکافي نقل شده، اما نام «الحلبي» در آنها نیست. همچنین در الفقيه (ج 3، ص 333، ح 4190) همین روایت با سند «عن حماد، عن حریر، عن محمد بن مسلم» نقل شده و نامی از الحلبي نیامده است. لذا به نظر می آید نام الحلبي در این سند زاید باشد. نکته دیگر، این که راوی حریر در سند مشهور الکافي، حماد بن عیسی است که با توجه به طبقه اش، ابراهیم بن هاشم می تواند مستقیماً از او نقل کرده باشد. در این صورت، احتمال سقط در سند نیز منتفی خواهد بود.
 100. الکافي، ج 6، ص 237.

45. [علی بن ابراهیم < ابیه و محمد بن یحیی > أحمد بن محمد جمیعاً¹⁰¹ < ابن ابی عمیر >] حماد < الحلبي (1).¹⁰²
 46. [علی بن ابراهیم < ابیه >] ابن ابی عمیر < حماد < الحلبي (2).¹⁰³
 47. [علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < حماد] < الحلبي (1).¹⁰⁴
 48. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عثمان¹⁰⁵ (1).¹⁰⁶
 49. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < حماد بن عیسی¹⁰⁷ < الحلبي (1).¹⁰⁸
 50. عدة من أصحابنا < سهل بن زیاد < الحجال¹⁰⁹ < حماد < الحلبي (1).¹¹⁰
 51. علی بن ابراهیم < ابیه > ابن ابی عمیر < من رواه < الحلبي (1).¹¹¹
 52. علی بن ابراهیم < ابیه و محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان¹¹² جمیعاً¹¹³ < ابن ابی عمیر < ابراهیم بن عبد الحمید¹¹⁴ < عبید الله بن علی الحلبي (1).¹¹⁵
 53. علی بن ابراهیم < محمد بن عیسی < یونس¹¹⁶ < عبید الله الحلبي < رجل < ابی جعفر □ (1).¹¹⁷
-
101. تحویل سند به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي. [2] محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي.
 102. همان، ج 4، ص 76.
 103. همان، ج 4، ص 437، ج 5، ص 183.
 104. همان، ج 6، ص 172.
 105. این روایت در **تهذیب الأحکام** (ج 7، ص 2، ح 1) از **الكافي** با این سند نقل شده است: «عن حماد، عن الحلبي، عن ابی عبدالله □».
 106. همان، ج 5، ص 148.
 107. این روایت با همین سند در **تهذیب الأحکام** (ج 3، ص 261، ح 56) نقل شده، اما به جای حماد بن عیسی، حماد بن عثمان آمده است. در **وسائل الشیعة** (ج 5، ص 285، ح 6563) و **بحار الأنوار** (ج 19، ص 120، ح 6) این روایت از **الكافي** نقل شده و در سند آن تنها تعبیر عن حماد آمده است.
 108. **الكافي**، ج 3، ص 296.
 109. مراد، ابی محمد عبد الله الحجال است.
 110. همان، ج 8، ص 176.
 111. همان، ج 2، ص 258.
 112. در اسناد **الكافي**، محمد بن اسماعیل، هیجده روایت از عبیدالله و محمد حلبی را از طریق فضل بن شاذان نقل می‌کند که تنها سند همین روایت «عن ابن ابی عمیر، عن ابراهیم بن عبد الحمید، عن عبید الله» است و در بقیه موارد، فضل بن شاذان از طریق «صفوان بن یحیی، عن ابن مسکان، عن محمد الحلبي» روایت می‌کند. شایان توجه است که در **الكافي**، روایات فضل بن شاذان منحصرأ از طریق محمد بن اسماعیل نقل شده است. از این رو، احتمال ترکیب و اختلال دو سند وجود دارد؛ یعنی عبید الله و محمد حلبی هر دو این روایت را نقل نموده و سند مرتبط با محمد از طریق محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان با سند عبید الله از طریق علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر با هم ترکیب و نام حماد نیز حذف شده باشد. البته وجود ابراهیم بن عبد الحمید در سلسله سند - که به آن ویژگی خاصی داده و احتمال وجود روایت در یکی از کتاب‌های ابن ابی عمیر را قوت می‌بخشد - فرضیه فوق را تضعیف می‌نماید. تعبیر از نام کامل عبید الله بن علی الحلبي نیز می‌تواند مؤید آن باشد.
 113. تحویل سند به این صورت است: [1] علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر. [2] محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن ابن ابی عمیر.
 114. در **الكافي**، سند «محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن ابن ابی عمیر، عن ابراهیم بن عبد الحمید» در سی مورد تکرار شده است.
 115. همان، ج 2، ص 114.

116. مجموعه روایاتی که در منابع حدیثی از یونس به یکی از افراد خاندان حلبی می‌رسد، به شرح زیر است:

[1] در دو روایت یونس مستقیماً از عبید الله الحلبي روایت می‌کند: نخست، سند مذکور در *الکافی* (ج 7، ص 352) – که بحث آن خواهد آمد – و دیگر روایت مذکور در *تهذیب الأحکام* (ج 6، ص 227) با این سند: «عن علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن اسماعيل بن مرار، عن يونس، عن عبید الله بن علی الحلبي قال: قال ابو عبد الله □: «أمر المؤمنین □». مشابه همین سند در *بشارة المصطفی* (ص 143) به این صورت آمده است: «أخبرني الشيخ أبو محمد الحسن بن الحسين بن بابويه – إجازة و قراءة علی ولده بعد أن نسخه من أصله سنة عشرة و خمسمائة – عن محمد بن الحسن بن الحسين، عن عمه أبي جعفر محمد بن علی بن بابويه الفقيه القمي قال: حدثني محمد بن علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن إسماعيل بن مرار، عن يونس بن عبد الرحمن، عن يحيى الحلبي، عن أبي المعزى، عن يزيد بن خليفة قال: قال لي أبو عبد الله □. هر چند عبارت محمد بن علی بن ابراهیم در *بشارة المصطفی* نادرست به نظر می‌رسد و باید صورت صحیح آن، علی بن ابراهیم باشد (زیرا طریق «علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن اسماعيل بن مرار، عن يونس بن عبد الرحمن» از طرق مشهور *الکافی* است که صد بار تکرار شده است)، اما با مقایسه سند *تهذیب الأحکام* و *بشارة المصطفی* و قرائنی که خواهد آمد، احتمال اشتباه در *تهذیب الأحکام* قوت می‌یابد. یک روایت یونس نیز در *معانی الأخبار* (ص 32، ح 2) با واسطه از عبید الله نقل شده است؛ به این سند: «أبي □ قال: حدثنا محمد بن أحمد بن علی بن الصلت، عن عبد الله بن الصلت، عن يونس بن عبد الرحمن، عن ذكره، عن عبید الله بن الحلبي».

[2] دو روایت در *الکافی* (ج 4، ص 91؛ ج 7، ص 278) با سند «علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن يونس، عن عبد الله بن مسكان، عن الحلبي» آمده است که مراد از الحلبي، محمد الحلبي است. روایتی دیگر نیز از محمد الحلبي به واسطه مفضل بن الصالح در *الکافی* (ج 8، ص 267) نقل شده است.

[3] در هشت روایت (*الکافی*، ج 2، ص 180؛ ج 7، ص 77، 125، 246؛ *رجال الکشي*، ص 299؛ *بشارة المصطفی*، ص 140، 143؛ *تأويل الآيات الظاهرة*، ص 787) یونس مستقیماً از یحیی الحلبي روایت می‌کند.

[4] دو روایت در *الکافی* (ج 2، ص 114، ح 7 و ح 9) با عبارت «يونس عن الحلبي رفعه قال: قال رسول الله □» آمده است که مراد از حلبی در آن، احتمالاً یحیی الحلبي است؛ اما در سند روایتی دیگر، در *الکافی* (ج 7، ص 194، ح 3) تعبیر «يونس عن الحلبي» به طور مطلق آمده که احتمال آن که مراد از الحلبي در آن، عبید الله باشد وجود دارد؛ زیرا در *الفقيه* (ج 4، ص 27، ح 5003) آمده است: «فی رواية الحلبي»، و شیخ طوسی نیز – که مستقیماً از کتاب یونس نقل می‌کند – می‌گوید: «يونس بن عبد الرحمن، عن الحلبي».

با توجه به طبقه یونس و نقل مستقیم او از یحیی و ابن مسكان، و با بررسی اسنادی که در آنها تصریح به عبید الله شده و آنچه به نحو مطلق آمده و احتمال می‌رود که مراد از آن، عبید الله باشد، می‌توان نتیجه گرفت که نقل مستقیم یونس از عبید الله بعید به نظر می‌رسد و احتمال سقط در اسناد وجود دارد؛ اما احتمال قوی‌تر، آن است که کاتبان نسخ، نام یحیی الحلبي (یا الحلبي) را، به اشتباه، به عبید الله تبدیل کرده باشند؛ زیرا – چنان که گذشت – یونس یکی از راویان یحیی الحلبي است. افزون بر این، در *رجال الکشي* (ص 488) می‌خوانیم: «قال نصر بن الصباح: لم يرو يونس عن عبید الله و محمد ابني الحلبي قط و لا رأهما، و ماتا فی حیاة أبي عبد الله □». به نظر می‌رسد در همه مواردی که یونس مستقیماً از الحلبي روایت می‌کند، مراد یحیی الحلبي است.

مسأله اینجاست که اگر در روایت متن بپذیریم یحیی الحلبي صحیح است، آیا یحیی الحلبي می‌تواند با یک واسطه از امام باقر □ روایت کند یا نه؟ پاسخ این است که در همه مواردی که سند یحیی به امام باقر □ ختم می‌شود، میان او و امام □ دو تن واسطه وجود دارد، مگر در روایاتی که او از طریق ابو بصیر روایت می‌کند، در منابع حدیثی (مندرج در نرم افزار جامع الاحادیث)، میان یحیی و ابو بصیر یکی از راویان ذیل واسطه‌اند: هارون بن خارجة، ابی سعید المکاری، ابی الصباح الكناني، عبد الله بن مسكان، معلى أبی عثمان، سليمان بن داود، أيوب بن الحر، المثنی، عمران بن علی الحلبي، اسحاق بن عمار، ابی المغراء، خلف بن حماد. اما در برخی منابع (*بصائر الدرجات*، ص 107، ح 4؛ *المحاسن*، ج 1، ص 148، ح 60؛ *معانی الأخبار*، ص 215، ح 1؛ *تأويل الآيات الظاهرة*، ص 173)، عبارت «النضر بن سويد عن يحيى الحلبي عن أبي بصير» آمده که بنا بر آن، می‌توان گفت یحیی می‌توانسته بدون واسطه از ابوبصیر روایت کند.

117. همان، ج 7، ص 352.

118. همان، ج 3، ص 359، ج 6، ص 42.

55. عدة من أصحابنا < سهل بن زياد > احمد بن محمد بن ابي نصر < عبد الله بن بكير > الحلبي (1).¹²⁰

56. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد > محمد بن الحسن < عبيد الله الدهقان > احمد بن عائذ < عبيد الله الحلبي > (1).¹²¹

57. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد > الحسين بن سعيد < النضر بن سويد > يحيى الحلبي < عمه عبيد الله > (1).¹²³

58. على بن ابراهيم < ابيه > ابن ابي عمير < حماد > محمد بن مسلم،¹²⁵ قال: قلت لأبي جعفر (1).¹²⁶

دو. فهرست غير تکراری روایات الکافی از محمد بن علی بن ابي شعبه الحلبي

1. احمد بن ادریس < محمد بن عبد الجبار > صفوان < ابن مسکان > الحلبي (1).¹²⁷
2. ابو علی الأشعري < محمد بن عبد الجبار > صفوان بن يحيى < ابن مسکان > محمد الحلبي (1).¹²⁸

119. در منابع حدیثی، تنها سه روایت وجود دارد که ابن بکیر از حلبی روایت کرده است. هر سه روایت نیز در *الکافی* نقل شده است. دو روایت آن، در *الکافی* به سندی که در متن فوق ذکر شده است (ج 3، ص 359، ح 9، ج 6، ص 42، ح 1)، و روایت دیگر با سند «عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، عن عبد الله بن بكير، عن الحلبي» (ج 4، ص 184، ح 2) که مراد از حلبی در آن مشخص نیست. در *المحاسن* (ج 2، ص 330، ح 93) این روایت به صورت مفصل تر با سند «عنه [احمد بن ابي عبد الله البرقي]، عن أبيه، عن احمد بن محمد بن ابي نصر، عن عبد الكريم الحلبي» نقل شده که صحیح آن باید عبد الکريم عن الحلبي باشد؛ هر چند احتمال تصحیف عبد الله بن بکیر به عبد الکريم منتفی نیست. در *وسائل الشیعة* (ج 11، ص 238، ح 14680) این روایت از *المحاسن* نقل شده و سند آن به عبد الکريم عن الحلبي تصحیح شده است. شایان یادآوری است که در *المحاسن* (ج 2، ص 336، ح 112) بخش دیگری از همان روایت با سند «عنه [احمد بن ابي عبد الله البرقي]، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد عن الحلبي» نقل شده است. در هر صورت، به قرینه سند قبلی، این روایات احتمالاً از عبيدالله است.

120. *الکافی*، ج 4، ص 184.

121. در منابع حدیثی، تنها دو روایت از عبيد الله الدهقان به الحلبي می‌رسد که یکی از آنها سند ذکر شده در متن است، و دیگری، سندی است در *المحاسن* (ج 2، ص 602، ح 28) به این عبارت: «عنه [أحمد بن أبي عبد الله البرقي]، عن أحمد بن نوح، عن شعيب التيسابوري، عن عبيد الله بن عبد الله الدهقان، عن أحمد بن عائذ، عن الحلبي». با مقایسه متن روایت *الکافی* و متن روایت *المحاسن*، می‌توان گفت که این دو، در حقیقت، یک روایت بوده که تقطیع شده است.

122. *الکافی*، ج 2، ص 639.

123. در منابع حدیثی، تنها همین روایت است که در آن يحيى الحلبي از عمويش عبيد الله روایت می‌کند.

124. همان، ج 4، ص 293.

125. این روایت در *تهذيب الأحكام* (ج 8، ص 277، ح 1) و *وسائل الشیعة* (ج 22، ص 343، ح 28746) به نقل از *الکافی* آمده است، اما سند آنها چنین است: «عن حماد، عن الحلبي، عن محمد بن مسلم». احتمالاً به جای عبارت عن محمد بن مسلم، عبارت و محمد بن مسلم صحیح است؛ همان گونه که در برخی اسناد دیگر آمده است، البته احتمال نقل حلبی از امام باقر (ع) را نیز باید در نظر داشت. این روایت در *النوادر* (ص 51، ح 94) نیز با عبارت «عن محمد بن مسلم قال: قلت لأبي جعفر (ع) نقل شده است، اما همین روایت در *الفتیة* (ج 3، ص 376، ح 4323) با عبارت «و روی عن علی بن مهزيار قال: قلت لأبي جعفر الثاني (ع) نقل شده که جای تأمل است.

126. *الکافی*، ج 7، ص 449.

127. همان، ج 3، ص 6.

3. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان < ابن مسکان < محمد الحلبي (3).¹²⁹
4. [ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان < ابن مسکان < محمد الحلبي (1).¹³⁰
5. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار و محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان¹³¹ < صفوان < ابن مسکان < محمد الحلبي (1).¹³²
6. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار و محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان جميعاً < صفوان بن يحيى < ابن مسکان < محمد الحلبي (1).¹³³
7. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار و محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان جميعاً < صفوان بن يحيى < ابن مسکان < الحلبي (3).¹³⁴
8. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار و محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان جميعاً < صفوان < ابن مسکان < الحلبي (2).¹³⁵
9. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان بن يحيى < عبد الله بن مسکان < الحلبي (1).¹³⁶
10. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان بن يحيى < ابن مسکان < الحلبي (3).¹³⁷
11. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان < ابن مسکان < الحلبي (3).¹³⁸
12. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان بن يحيى < عبد الله بن مسکان < يحيى الحلبي¹³⁹ < عبد الحميد الطائي < زرارة بن أعين (1).¹⁴⁰

-
128. همان، ج 6، ص 233.
 129. همان، ج 5، ص 185، 247؛ ج 6، ص 229.
 130. همان، ج 5، ص 231.
 131. تحویل این سند و اسناد بعدی به این صورت است: [1] ابو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان. [2] محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن صفوان.
 132. همان، ج 6، ص 231.
 133. همان، ج 6، ص 233.
 134. همان، ج 6، ص 207، 212؛ ج 7، ص 451.
 135. همان، ج 4، ص 91؛ ج 6، ص 210.
 136. همان، ج 3، ص 554.
 137. همان، ج 4، ص 561؛ ج 6، ص 187، 414.
 138. همان، ج 5، ص 245، 265، 284.
 139. این روایت، با اندکی تفاوت، در *تفسیر العیاشی* (ج 1، ص 269، ح 247) با عبارت «زرارة قال: قلت لأبي عبد الله» نقل شده است. در *النوادر* اشعری (ص 127، ح 326) این روایت را از طریق «النضر بن سويد، عن الحلبي، عن عبد الحميد الكلبي، عن زرارة قال: قلت لأبي عبد الله» نقل شده که مراد از الحلبي در آن، يحيى الحلبي است. شيخ طوسي نیز در *تهذيب الأحكام* (ج 7، ص 304، ح 25) همین روایت را با سند «الحسين بن سعيد عن النضر بن سويد، عن يحيى الحلبي، عن عبد الحميد الطائي، عن زرارة، قال: قلت: لأبي عبد الله» آورده است. این روایت در *الكافي* (ج 5، ص 349، ح 7) با مضمونی مشابه و به طریق دیگر، «علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن جميل بن دراج، عن زرارة قال: قلت لأبي جعفر»، و در ح 10 همان جا به طریق «الحسين بن محمد، عن معلى بن محمد، عن حسن بن علي الوشاء، عن جميل، عن زرارة، عن أبي جعفر» نقل شده است. چکیده این روایت نیز در *تهذيب الأحكام* (ج 7، ص 304، ح 26) به طریق «عنه [الحسين بن سعيد]، عن أحمد بن محمد، عن جميل، عن زرارة قال: قال أبو جعفر» نقل شده است. این مجموعه نشان می‌دهد که طریق روایت زرارة از عبد الحميد الطائي و جميل به دست ما رسیده است. از سوی دیگر، يحيى الحلبي به

13. ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار < صفوان و محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان < صفوان و محمد بن سنان جمیعاً < ابن مسکان < الحلبي (1).¹⁴¹
14. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان و ابو علی الأشعری < محمد بن عبد الجبار جمیعاً < صفوان بن یحیی < ابن مسکان < الحلبي (1).¹⁴²
15. [محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان] < صفوان < عبد الله بن مسکان < محمد الحلبي (1).¹⁴³
16. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان < صفوان بن یحیی < عبد الله بن مسکان < محمد الحلبي (1).¹⁴⁴
17. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان < صفوان بن یحیی < ابن مسکان < محمد بن علی الحلبي (1).¹⁴⁵
18. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان < صفوان بن یحیی < ابن مسکان < محمد الحلبي (2).¹⁴⁶
19. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان < صفوان بن یحیی < ابن مسکان < الحلبي (1).¹⁴⁷
20. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان < صفوان < ابن مسکان < محمد الحلبي (1).¹⁴⁸
21. محمد بن اسماعیل < الفضل بن شاذان < صفوان < ابن مسکان < الحلبي (1).¹⁴⁹
22. محمد < الفضل < صفوان <¹⁵⁰ محمد الحلبي (1).¹⁵¹
23. الحسين بن محمد < معلی بن محمد¹⁵² < محمد بن جمهور¹⁵³ < صفوان < ابن مسکان < الحلبي (1).¹⁵⁴

واسطه عبد الحمید الطائی (از اصحاب امام باقر و امام صادق (ع)) روایات متعددی نقل می‌کند، اما نقل ابن مسکان از او از نظر طبقه پذیرفتنی نیست. بنا بر این در سند *الکافی* یا قلب سند رخ داده و یا سند روایتی، با سقط متن، به سند روایت بعد متصل شده است.

140. *الکافی*، ج 5، ص 348.
141. همان، ص 384.
142. همان، ج 4، ص 108.
143. همان، ج 3، ص 525.
144. همان، ج 6، ص 58.
145. همان، ج 3، ص 473.
146. همان، ص 37، 517.
147. همان، ص 403.
148. همان، ج 7، ص 56.
149. همان، ص 112.
150. به قرینه اسناد قبل باید نام ابن مسکان از سند سقط شده باشد.
151. همان، ج 3، ص 89.
152. مراد، معلی بن محمد البصری است.
153. مراد، محمد بن جمهور العمی است.
154. همان، ج 1، ص 415.

24. محمد بن یحیی < محمد بن الحسین ¹⁵⁵ < صفوان بن یحیی < ابن مسکان < محمد الحلبي (1).¹⁵⁶
25. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < صفوان < ابن مسکان < الحلبي (1).¹⁵⁷
26. حمید بن زیاد < ابن سماعه ¹⁵⁸ < ابن رباط ¹⁵⁹ و الحسین بن هاشم < ¹⁶⁰ صفوان جمیعاً ¹⁶¹ < ابن مسکان < الحلبي (1).¹⁶²
27. حمید بن زیاد < ابن سماعه < ابن رباط و الحسین بن هاشم و صفوان جمیعاً < ابن مسکان < الحلبي (1).¹⁶³
28. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < ابن محبوب < علی بن رئاب ¹⁶⁴ < ابن مسکان < الحلبي (1).¹⁶⁵
29. محمد بن یحیی < احمد بن محمد بن عیسی < ابن محبوب < علی بن الحسن بن رباط < ابن مسکان < الحلبي (1).¹⁶⁶
30. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < الحسین بن سعید < فضالة بن أيوب < الحسین بن عثمان < ابن مسکان < الحلبي (1).¹⁶⁷
31. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < محمد بن سنان < ابن مسکان ¹⁶⁸ < الحلبي (5).¹⁶⁹

155. مراد، محمد بن الحسین بن أبی الخطاب است.

156. همان، ج 3، ص 518.

157. همان، ج 7، ص 442.

158. مراد، الحسن بن محمد بن سماعه است.

159. مراد، علی بن الحسن بن رباط است.

160. ظاهراً در این سند و به جای عن صحیح است؛ یعنی ابن سماعه به واسطه این سه تن (ابن رباط، حسین بن هاشم و صفوان) از ابن مسکان روایت می‌کند (قس: سند بعدی، نیز: تهذیب الأحکام، ج 8، ص 217؛ وسائل الشیعة، ج 23، ص 42). با این همه، شایان یادآوری است که در وسائل الشیعة (ج 22، ص 85) این روایت به نقل از الکافی با سند فوق آمده است.

161. ظاهراً تحویل سند به این صورت است: [1] حمید بن زیاد، عن ابن سماعه، عن ابن رباط، عن ابن مسکان. [2] حمید بن زیاد، عن ابن سماعه، عن الحسین بن هاشم، عن ابن مسکان. [3] حمید بن زیاد، عن ابن سماعه، عن صفوان، عن ابن مسکان.

162. الکافی، ج 6، ص 126.

163. همان، ج 6، ص 191.

164. با توجه به سند بعدی و نقل این روایت در تهذیب الأحکام (ج 9، ص 308، ح 21) و الاستبصار (ج 4، ص 160، ح 5)، با سند «عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن علی بن رباط، عن ابن مسکان» و با توجه به بسیاری روایات علی بن رباط از ابن مسکان - که در حدود 22 روایت است و بیشترین آنها از طریق ابن محبوب یا ابن سماعه - نقل شده است، علی بن رئاب را باید تصحیف علی بن رباط دانست. از نظر طبقه نیز، علی بن رئاب از اصحاب امام صادق □ است که حداکثر به یک واسطه از امام □ روایت می‌کند، در صورتی که در سند فوق دو واسطه میان او و امام □ آمده است. شایان یادآوری است که در سند روایتی در المحاسن (ج 2، ص 598) نیز عبارت «ابن محبوب، عن علی بن رئاب، عن عبد الله بن مسکان، عن محمد بن مضارب، قال: قال أبو عبد الله □» آمده، که آن نیز قابل تأمل است.

165. الکافی، ج 7، ص 112.

166. همان، ج 7، ص 230.

167. همان، ج 3، ص 337.

168. روایات نقل شده به طریق «محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن ابن مسکان» به الفاظ مختلف، حتی به صورت «عدة من أصحابنا» به جای «محمد بن یحیی» نزدیک به چهل بار در الکافی تکرار شده است.

169. همان، ج 3، ص 331، 440، 441، ج 4، ص 310، 513.

32. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < ابن سنان < ابن مسکان < الحلبي (1).¹⁷⁰
33. محمد < احمد بن محمد < محمد بن سنان < ابن مسکان < الحلبي (1).¹⁷¹
34. عدة من اصحابنا < سهل بن زياد < محمد بن سنان < عبد الله بن مسكان < الحلبي (1).¹⁷²
35. علي بن محمد¹⁷³ < سهل بن زياد < محمد بن سنان < ابن مسكان < الحلبي (1).¹⁷⁴
36. محمد < احمد < ابيه محمد بن عيسى¹⁷⁵ < ابن مسكان < الحلبي (1).¹⁷⁶
37. علي بن ابراهيم < ابيه < عن ابن ابي عمير < علي بن اسماعيل < ابن مسكان¹⁷⁷ < محمد بن مسلم أو الحلبي (1).¹⁷⁸
38. علي بن ابراهيم < ابيه < عبد الله بن المغيرة < ابن مسكان < محمد الحلبي (1).¹⁷⁹
39. محمد بن يحيى < محمد بن موسى¹⁸¹ < العباس بن معروف < مروك بن عبيد < بعض اصحابنا¹⁸² عن عبد الله بن مسكان < محمد الحلبي (1).¹⁸³
40. [محمد بن يحيى عن احمد بن محمد و علي بن ابراهيم¹⁸⁴ < ابيه جميعاً عن] < ابن محبوب < ابي ايوب الخزاز < ابن مسكان < الحلبي (1).¹⁸⁵

170. همان، ج 3، ص 59.
171. همان، ج 6، ص 126.
172. همان، ج 3، ص 185.
173. مراد، علی بن محمد علان الکلبینی است.
174. همان، ص 39.
175. در دو مورد از *الکافی*، طریق روایت «أحمد بن محمد بن عيسى، عن أبيه» به ابن مسكان می‌رسد: یک مورد، سند مذکور در متن است، و دیگری، در موردی است (*الکافی*، ج 1، ص 288) که عبد الله بن المغيرة میان محمد بن عيسى و ابن مسكان واسطه شده است؛ اما در *تهذيب الأحكام*، هشت روایت وجود دارد که طریق روایت «أحمد بن محمد بن عيسى، عن أبيه» به ابن مسكان می‌رسد: یک مورد، نقل همین روایت از *الکافی* است (*تهذيب الأحكام*، ج 8، ص 218)، در شش مورد، عبد الله بن المغيرة واسطه شده، و در یک مورد دیگر (*تهذيب الأحكام*، ج 4، ص 45)، ابن ابي عمير واسطه است. از این رو، احتمال سقط یکی از این دو واسطه (مخصوصاً عبد الله بن المغيرة) در این سند قوت می‌یابد.
176. همان، ج 6، ص 182.
177. در این سند ابن مسكان، بدون واسطه، از محمد بن مسلم روایت می‌کند.
178. همان، ج 2، ص 355.
179. در *تهذيب الأحكام* (ج 1، ص 147، ح 107) این روایت به نقل از *الکافی* با این سند آمده است: «عن محمد الحلبي، عن رجل، عن ابي عبدالله». همچنین در *تهذيب الأحكام* (ج 1، ص 147، ح 108)، متنی مشابه روایت نقل شده از *الکافی* را به این طریق نقل می‌کند: «أخبرني الشيخ - أيداه الله -، عن أحمد بن محمد، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد، عن أبيه و محمد بن خالد، عن عبد الله بن المغيرة، عن عبد الله بن مسكان، عن محمد بن علي الحلبي، عن رجل، عن ابي عبدالله». در *تهذيب الأحكام* (ج 1، ص 162، ح 38) طریق دیگری آمده است؛ به این ترتیب: «عنه [علي بن الحسن بن فضال]، عن محمد بن علي، عن محمد بن يحيى، عن غياث بن ابراهيم، عن أبي عبد الله»، عن أبيه عن علي». مضمون همین روایت در *الجعفریات* (ص 22) با سند «محمد حدثني موسى حدثنا أبي، عن أبيه، عن جده جعفر بن محمد، عن أبيه أن علياً» نقل شده است (نیز، رک: *دعائم الإسلام*، ج 1، ص 15)، که این روایت را از امام علی نقل می‌کند.
180. *الکافی*، ج 3، ص 45.
181. مراد، محمد بن موسی الهمدانی است.
182. در *تهذيب الأحكام* (ج 9، ص 60، ح 255) و *وسائل الشيعة* (ج 24، ص 40، ح 29934) این روایت به نقل از *الکافی* و با سند «عن بعض اصحابنا و عن عبد الله بن مسكان» آمده است. احتمال می‌رود که سند مذکور در *تهذيب الأحكام* و *وسائل الشيعة* صحیح باشد.
183. *الکافی*، ج 6، ص 236.
184. تحویل سند به این صورت است: [1] محمد بن يحيى، عن احمد بن محمد، عن ابن محبوب، [2] علی بن ابراهيم، عن أبيه، عن ابن محبوب.

41. علی بن ابراهیم < محمد بن عیسی بن عبید < یونس < ابن مسکان¹⁸⁶ < الحلبي (1).¹⁸⁷
42. علی بن ابراهیم < محمد بن عیسی < یونس < عبد الله بن مسکان < الحلبي (1).¹⁸⁸
43. علی بن ابراهیم < أبیه < ابن فضال < ابن ابی جمیلة¹⁸⁹ < محمد الحلبي (1).¹⁹⁰
44. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < ابن فضال < ابی جمیلة < محمد الحلبي (1).¹⁹¹
45. محمد بن یحیی < احمد بن محمد < ابن فضال < ابی جمیلة < محمد بن علی الحلبي (1).¹⁹²
46. [عدة من أصحابنا] < احمد بن محمد < ابن فضال < ابی جمیلة < محمد بن علی الحلبي (1).¹⁹³
47. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد < ابن فضال < ابی جمیلة < الحلبي (1).¹⁹⁴
48. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد < ابن فضال < ابی جمیلة < محمد الحلبي (3).¹⁹⁵
49. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد بن خالد < ابن فضال < ابی جمیلة < محمد الحلبي (1).¹⁹⁶
50. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد بن عیسی < ابن فضال¹⁹⁷ < المفضل بن صالح < محمد بن علی الحلبي (1).¹⁹⁸
51. عدة من أصحابنا < سهل بن زیاد < احمد بن محمد بن ابی نصر < ابی جمیلة < الحلبي (1).¹⁹⁹

-
185. همان، ج 5، ص 443.
 186. طریق «علی بن ابراهیم، عن محمد بن عیسی، عن یونس، عن ابن مسکان» در حدود سی بار در /الكافي تکرار شده است.
 187. همان، ج 4، ص 91.
 188. همان، ج 7، ص 278.
 189. همین روایت در /التوحيد (ص 329، ج 5) با سند «عن أبیه □ قال: حدثنا علی بن ابراهیم بن هاشم، عن أبیه، عن ابن فضال، عن ابی جمیلة، عن محمد الحلبي، عن أبی عبد الله □» نقل شده است. بنا بر این، ابن أبی جمیلة تصحیف ابی جمیلة است.
 190. /الكافي، ج 2، ص 13.
 191. همان، ج 2، ص 318.
 192. همان، ج 8، ص 310.
 193. همان، ج 5، ص 528.
 194. همان، ج 2، ص 13.
 195. همان، ج 1، ص 404، 443؛ ج 2، ص 82. روایت منقول در ج 1، ص 443، ج 15، در بصائر الدرجات (ص 83) با سند «عن احمد بن محمد و یعقوب بن یزید، عن الحسن بن علی بن فضال» نقل شده است.
 196. /الكافي، ج 2، ص 421.
 197. در تفسیر القمي (ج 2، ص 388) این روایت با سند «أحمد بن إدريس قال: حدثنا أحمد بن محمد، عن الحسن بن علی بن فضال، عن المفضل بن صالح، عن محمد بن علی الحلبي» نقل شده است.
 198. /الكافي، ج 1، ص 423.
 199. همان، ج 7، ص 359.

52. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد > ابن فضال < ابی جمیلة > محمد الحلبي

زراره²⁰⁰ (1).²⁰¹

53. محمد بن یحیی < احمد بن محمد > علی بن الحکم²⁰² < ابی جمیلة المفضل بن صالح < محمد الحلبي و زرارة و محمد بن مسلم < ابی جعفر و أبی عبد الله □ (1).²⁰³

54. ابو علی الأشعری < محمد بن حسان²⁰⁴ < محمد بن علی²⁰⁵ < ابی جمیلة < الحلبي و زرارة و محمد بن مسلم و حمران بن أعین < ابی جعفر و أبی عبد الله □ (1).²⁰⁶

55. ابو علی الأشعری < محمد بن حسان < محمد بن علی < ابی جمیلة < الحلبي و زرارة أيضاً و محمد بن مسلم و حمران بن أعین < ابی جعفر و أبی عبد الله □ (1).²⁰⁷

56. محمد بن احمد بن الصلت < عبد الله بن الصلت²⁰⁸ < یونس < المفضل بن صالح < محمد الحلبي (1).²⁰⁹

57. حمید بن زیاد < ابن سماعة²¹⁰ < غیر واحد²¹¹ < أبان بن عثمان < محمد الحلبي (2).²¹²

58. حمید بن زیاد < ابن سماعة < غیر واحد < أبان < محمد الحلبي (1).²¹³

59. محمد بن یحیی < عبد الله بن محمد < علی بن الحکم²¹⁴ < أبان بن عثمان < محمد الحلبي < قال سألته □ (1).²¹⁵

200. روایاتی که با طریق «محمد الحلبي، عن زرارة» روایت شده، عبارت‌اند از: سند مذکور در متن *المحاسن*، ج 1، ص 121، ح 135؛ *ثواب الأعمال*، ص 242؛ *تأویل الآیات الظاهرة*، ص 377 (نیز: *بحار الأنوار*، ج 24، ص 136، ح 10)، *شواهد التنزیل*، ج 2، ص 273، ح 905 که در همه آنها مفضل بن صالح از محمد حلبي روایت می‌کند. نکته محل تأمل، مشابهت اسناد مذکور در این منابع با اسناد بعدی مذکور در *الكافي* است.

201. *الكافي*، ج 5، ص 529.

202. مراد، علی بن الحکم الأنباری است.

203. همان، ج 7، ص 447.

204. مراد، محمد بن حسان الرازی است.

205. مراد، محمد بن علی أبو سمینة است.

206. همان، ج 6، ص 402.

207. همان، ص 404.

208. بنا بر اشاره کلینی (*الكافي*، ج 8، ص 334، ح 523) ابی طالب عبد الله بن الصلت القمی عموی محمد بن أحمد بن علی بن الصلت بوده است. ظاهراً محمد بن أحمد بن علی بن الصلت راوی کتاب *عمویش* - که از اصحاب امام رضا □ است - بوده است. نام او را در بیشتر اسناد روایات *عمویش* می‌توان دید.

209. *الكافي*، ج 8، ص 267.

210. مراد، الحسن بن محمد بن سماعة است.

211. حدود یکصد و پنجاه روایت در *الكافي* هست که «حمید بن زیاد، عن الحسن بن محمد بن سماعة» با واسطه‌های مختلف از أبان بن عثمان روایت می‌کند. از واسطه‌های میان ابن سماعة و أبان، در حدود 92 روایت، با تعبیر «عن غیر واحد»، در شش روایت با تعبیر «عن بعض أصحابه»، در پنج روایت با تعبیر «عن ذکره»، و در سه روایت با تعبیر «عدة من أصحابنا» یاد شده است. البته در تعدادی از روایات، این افراد مشخص شده‌اند. در یازده روایت «عن جعفر بن سماعة» یا «عن جعفر بن سماعة و غیره»، در 27 روایت، «عن احمد بن الحسن المیثمی»، در دو روایت «عن أحمد بن عدیسی»، در یک روایت «عن محمد بن آیوب، عن أحمد بن محمد بن ابی نصر»، و در یک روایت «عن محسن بن احمد» آمده است. به نظر می‌رسد این واسطه‌ها از مشایخ و افراد مشهور بوده و مانند عدة من أصحابنا در روایات کلینی مورد اعتماد اصحاب بوده‌اند.

212. همان، ج 4، ص 405.

213. همان، ص 346.

214. در *الکافی* طریق «محمد بن یحیی، عن عبد الله بن محمد، عن علی بن الحکم، عن أبان بن عثمان» در حدود 55 بار تکرار شده است. بنابراین از طرق مشهور به شمار می‌رود.
215. همان، ج 6، ص 211.
216. همان، ص 467.
217. همان، ج 7، ص 220.
218. همان، ج 3، ص 57.
219. همان، ج 4، ص 482.
220. همان، ج 5، ص 184.
221. همان، ج 2، ص 7.
222. مراد، الوشاء است.
223. همان، ج 4، ص 296.
224. همان، ج 7، ص 134.
225. تحویل سند به این صورت است: [1] أبو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان، عن منصور بن حازم، عن أبي بصير الأسدي و محمد بن علی الحلبي و عمر بن حنظلة. [2] محمد بن جعفر أبو العباس الرزاز، عن أيوب بن نوح، عن صفوان، عن منصور بن حازم، عن أبي بصير الأسدي و محمد بن علی الحلبي و عمر بن حنظلة.
226. همان، ج 6، ص 71.
227. همان، ج 5، ص 290.

71. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد البرقي > أبيه < بعض أصحابه > أيوب بن الحر < محمد

بن علي الحلبي (1).²²⁹

سه. فهرست غیر تکراری روایات الکافی که مرّد میان عبید الله بن علی حلبی و برادرش محمد است.

1. محمد بن یحیی < احمد بن محمد > علی بن الحکم²³⁰ < ابی المغراء²³¹ < الحلبي (5).²³²
2. محمد بن یحیی < احمد بن محمد بن عیسی > بعض أصحابه²³³ < ابی المغراء < الحلبي (1).²³⁴
3. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد > من ذكره²³⁵ < ابی المغراء < الحلبي (1).²³⁶
4. [عدة من أصحابنا] < احمد بن محمد > (عن رجل)²³⁷ < ابی المغراء < الحلبي (1).²³⁸
5. احمد بن محمد و علی بن ابراهیم < أبيه جميعاً > ابن ابی عمیر < ابی المغراء < الحلبي (1).²³⁹
6. [محمد بن یحیی] < أحمد بن محمد > الوشاء < ابی المغراء < الحلبي (1).²⁴⁰ ²⁴¹

228. همان، ج 3، ص 38.
229. همان، ج 6، ص 328.
230. مراد، علی بن الحکم الأنباری است.
231. مراد، حمید بن المنثی است.
232. همان، ج 6، ص 260، 237، 213؛ ج 7، ص 392، 393. تکرار این سند از ابی المغراء تا محمد بن یحیی در کتاب الأُطعمَة در الکافی، ج 6 می‌تواند قرینه اخذ این روایات از کتاب ابی المغراء باشد.
233. در الکافی، 29 روایت هست که در آنها احمد بن محمد بن عیسی، با واسطه، از ابی المغراء نقل می‌کند: در یازده مورد علی بن الحکم، در نه مورد الحسین بن سعید عن فضالة بن أيوب، در چهار مورد ابن فضال، و الوشاء، ابن ابی عمیر، بعض أصحابه، من ذكره، و رجل (هر کدام یک مورد) واسطه بوده‌اند. با توجه به این که هر سه مورد از طرق مبهم است و دو مورد از موارد شاذ، احتمال نقل مستقیم روایت از کتاب محمد یا عبید الله در این 29 مورد تضعیف می‌شود. به نظر می‌رسد این روایات از یکی از کتاب‌های احمد بن محمد بن عیسی اخذ شده باشد. تعبیر «عن ذكره» به خوبی این احتمال را تقویت می‌نماید.
234. همان، ج 2، ص 322.
235. این روایت در تهذیب الاحکام (ج 7، ص 25) با اضافاتی در آغاز، از طریق «أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن حدید، عن ابی المعزی» نقل شده است. شایان یادآوری است که ابی المغراء در سند تهذیب الاحکام به صورت ابی المعزی ضبط شده است. افزون بر این، بخشی از همان روایت در تهذیب الاحکام (ج 7، ص 24) با این سند آمده است: «عنه [الحسین بن سعید]، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي». کلینی (الکافی، ج 5، ص 1258) بخش نخست روایت منقول در تهذیب الاحکام را با این سند نقل می‌کند: «علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن ابن ابی عمیر، عن حماد عن الحلبي». همچنین قسمتی از همان روایت در الفقیه (ج 3، ص 201) با تعبیر «روی الحلبي» نقل شده که شاید مراد، عبید الله است.
236. الکافی، ج 5، ص 173.
237. در نقل وسائل الشیعة (ج 19، ص 155) از الکافی، تعبیر «عن رجل» وجود ندارد، اما در تهذیب الاحکام (ج 7، ص 214) این عبارت آمده است. شاید در چاپ الکافی عبارت «عن رجل» به نقل از تهذیب الاحکام در قلاب افزوده شده است.
238. الکافی، ج 5، ص 289.
239. همان، ج 5، ص 221.
240. بخش نخست این روایت، با اختلافاتی، در تهذیب الاحکام (ج 7، ص 16، ح 69) با این سند نقل شده است: «عنه [الحسین بن سعید]، عن ابن ابی عمیر، عن حماد بن عثمان، عن الحلبي». گفتنی است که عبارت تهذیب الاحکام صرف نظر از تقطیع بخش نخست، از استحکام بیشتری برخوردار است. در نقل وسائل الشیعة (ج 18، ص 128) از الکافی، عبارت «عن الحلبي» نیامده است.

با توجه به قرآینی که در پانویست‌ها به آنها اشاره شده است، احتمال نقل این گروه از روایات، از یکی از کتاب‌های احمد بن محمد بن عیسی قوت می‌یابد. تعبیر «عمن ذکره» و «عن بعض اصحابه» دلیل استواری بر این برداشت است و احتمال ناخوانا بودن نسخه کتاب احمد بن محمد را بیشتر می‌کند. به نظر می‌رسد روایاتی که از طریق ابی المغراء از حلبی در این کتاب آمده، باید از جمله روایاتی باشد که در نسخه مشهور کتاب عبیدالله و علی ذکر نشده است. اما این که مراد از حلبی در این روایات کدام یک از ایشان، یعنی عبیدالله یا محمد است، به درستی روشن نیست. تطبیق برخی از این احادیث با روایات بر گرفته از نسخه کتاب عبیدالله - که به دست حسین بن سعید و شیخ صدوق رسیده - احتمال اخذ ابی المغراء از روایات کتاب عبیدالله را تقویت می‌کند.

7. عدة من أصحابنا < احمد بن محمد < ابن محبوب < ابی ایوب الخزاز²⁴² < الحلبي (1).²⁴³

8. عنه [= علی بن ابراهیم] < أبيه < ابن محبوب < ابی ایوب < الحلبي (1).²⁴⁴

9. [محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد و علی بن ابراهیم، عن أبيه جميعاً] ابن محبوب < ابی ایوب < الحلبي و ابی عبیده (1).²⁴⁵

به نظر می‌رسد این سه روایت از کتاب ابن محبوب اخذ شده است. سند موجود در روایت سوم با توجه به تعبیر «جميعاً» این احتمال را تقویت می‌کند. در این سه طریق نیز مراد از حلبی آشکار نیست.

4. نتیجه گیری

یک. چینش اسناد روایات به گونه‌ای که ارائه شد، به خوبی طریق نقل یک منبع از منابع الکافی را به دست می‌دهد.

دو. چینش اسناد با این تنظیم، کمک شایانی در کشف راویان مشترک و شاید نام سقط شده از سلسله سند می‌کند.

سه. این شیوه تنظیم و ترتیب الاسانید مرحوم آیه الله بروجردی □، نقش مکمل یکدیگر را در رفع ابهامات اسناد ایفا می‌کنند. تفاوت این دو شیوه در آن است که در این روش طرق نقل از منابع نیز آشکار می‌شود، ولی در شیوه ترتیب الاسانید تنها سلسله مشایخ و شاگردان به دست خواهد آمد.

چهار. کلینی در تألیف کتاب الکافی از نسخه‌های مختلف کتاب عبیدالله بن علی حلبی استفاده کرده است. این مطلب را می‌توان از طرق مختلفی - که به کتاب این راوی می‌رسد - دریافت.

241. الکافی، ج 5، ص 145.

242. مراد، ابو ایوب، ابراهیم بن عثمان الخزاز است.

243. همان، ج 7، ص 176. به قرینه روایت الکافی (ج 5، ص 443)، شاید راوی پیش از واسطه میان الحلبي و الخزاز، ابن مسکان بوده که از سند ساقط گردیده است. در این صورت، مراد از الحلبي نیز محمد خواهد بود.

244. همان، ج 8، ص 156.

245. همان، ج 7، ص 299.

پنج. حماد بن عثمان در بیشتر منابع، فهرستی و سلسله اسناد روایات عبیدالله به عنوان راوی این کتاب مطرح شده است. از این رو، به نظر می‌رسد، نسخه حماد از کتاب عبید الله حلبی مقبول‌ترین و مشهورترین نسخه از این کتاب بوده و کلینی نیز از همان استفاده کرده است.

شش. اصلی‌ترین نسخه‌ای که کلینی بر آن اعتماد نموده و بیشتر روایات کتاب عبید الله را از آن نقل کرده است، نسخه‌ای است که از طریق علی بن ابراهیم < پدرش > ابن ابی عمیر < حماد > عبید الله حلبی به دستش رسیده است. این سند با تعبیر مختلف بیش از چهارصد بار در *الکافی* آمده است. با توجه به وجود طریق علی بن ابراهیم < پدرش در این طریق - که طریق نقل کتب کوفیان به قم بوده - ، این طریق و طرق مشابه آن، طریق اصلی نقل روایات از کتاب حلبی بوده است.

هفت. به نظر می‌رسد دلیل اختلاف تعبیر در نام راویان در اسناد کتاب *الکافی* فقط تفنن در تعبیر نباشد. این اختلاف می‌تواند با ملاحظه برخی قراین، حاکی از تعدد نسخه باشد. این که مشایخ و کتابان هر یک از نسخه‌ها - که خود از راویان برجسته محسوب می‌شوند - ، در تعبیر از دیگران، اصطلاحی را پیشه کرده باشند که نزد ایشان حکم علم را یافته باشد و کلینی، به درستی، همان تعبیر را نقل کرده باشد، دور از ذهن نمی‌نماید. نمونه آن را می‌توان در اختلاف عنوان حماد در تعبیر «حماد»، «حماد بن عثمان» و «حماد بن عثمان ذو الناب» مشاهده نمود.

هشت. احتمال این که کلینی برخی از روایات کتاب عبیدالله حلبی را از منابع واسطه‌ای مانند کتاب ابن ابی عمیر نقل کرده باشد، وجود دارد. وجود سلسله اسنادی چون علی بن ابراهیم < أبیه و محمد بن یحیی > احمد بن محمد بن عیسی جمیعاً < ابن ابی عمیر > حماد بن عثمان < الحلبي، عدة من أصحابنا > أحمد بن محمد < ابن ابی عمیر > حماد بن عثمان < الحلبي، و عدة من أصحابنا > سهل < احمد بن محمد > داود بن سرحان و علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي، این احتمال را قوت می‌بخشد.

نه. از عطف سایر راویان به عبیدالله حلبی، احتمال تصرف در نسخه کتاب و یا در نقل روایت از او در یک منبع واسطه وجود دارد. نمونه آن، اسنادی چون ابن ابی عمیر < حماد > الحلبي و محمد بن مسلم، و علی بن ابراهیم < أبیه > ابن ابی عمیر < جمیل عن ابی عبد الله □ و حماد بن عثمان عن الحلبي است. گفته محمد بن الحسن الصفار در *معانی الأخبار* و نیز این احتمال را تأیید می‌کند. او در این باره می‌گوید: «کل ما کان فی کتاب الحلبي و فی حدیث آخر، فذلک قول محمد بن أبی عمیر رحمه الله».

ده. درباره روایات عبد الله بن بکیر و احمد بن عائد و برخی راویان دیگر از عبیدالله بن علی حلبی، چند احتمال را می‌توان طرح نمود: الف. این روایات در کتاب عبید الله موجود نبوده و از نقل‌های شفاهی وی در سایر منابع نقل شده است؛ ب. نقل این روایات از نسخه غیر مشهور کتاب وی بوده است؛ ج. متن موجود در این منابع نزد کلینی، اتقان بیشتری از متن موجود در نسخه مشهور کتاب داشته است؛ د. در زمان تألیف آن بخش از *الکافی*، متن موجود در این منابع در دسترس کلینی بوده و وی نیازی به تلاش برای یافتن این روایت در کتاب حلبی ندیده است.

یازده. با بررسی روایات ابن مسکان با تعبیر حلبی، روشن می‌شود که در هیچ روایتی نام عبید الله به شکل صریح ذکر نشده، اما در روایات بسیاری، از محمد نام برده شده است. با توجه به گسترده‌ی روایات ابن مسکان از محمد بن علی حلبی احتمال نقل وی از عبید الله منتفی است. همچنین، می‌توان وی را راوی اصلی کتاب محمد قلمداد کرد.

دوازده. در کنار ابن مسکان، از ابو جمیله مفضل بن صالح و ابان بن عثمان نیز باید به عنوان دیگر راویان کتاب محمد حلبی یاد نمود.

سیزده. کلینی بیشتر روایات ابن مسکان از محمد حلبی را از طریق صفوان بن یحیی نقل کرده است. طریق مشهور کلینی به صفوان از ابن مسکان، «ابو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان، عن ابن مسکان، عن الحلبي» است.

چهارده. در کنار صفوان، کلینی روایات حلبی را از ابن مسکان با واسطه ابن سنان از طریق «محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابن سنان، عن ابن مسکان عن الحلبي» نقل کرده است. پانزده. وجود اسنادی چون «ابو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار و محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان جمیعاً عن صفوان، عن ابن مسکان، عن الحلبي» و «محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان و ابو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار جمیعاً عن صفوان بن یحیی، عن ابن مسکان، عن الحلبي»، احتمال جمع آوری روایات از سوی صفوان و درج این روایات در کتابش را تقویت می‌کند. شانزده. از سوی دیگر، وجود طرقی مانند «ابو علی الأشعری، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان و محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن صفوان و محمد بن سنان جمیعاً، عن ابن مسکان، عن الحلبي» و «حمید بن زیاد، عن ابن سماعة، عن ابن رباط و الحسین بن هاشم، عن صفوان جمیعاً، عن ابن مسکان، عن الحلبي»، طریق بودن شخصیت‌هایی چون صفوان، محمد بن سنان و علی بن رباط را محتمل می‌نماید. این بدان معناست که همه یا بخش قابل توجهی از کتاب محمد بن علی حلبی در کتاب ابن مسکان درج شده، و این مشایخ فقط کتاب ابن مسکان را روایت کرده‌اند. قول نجاشی - که اکثر روایات کتاب ابن مسکان در «حلال و حرام» را از محمد بن علی حلبی دانسته - این احتمال را تقویت می‌کند.

هفده. طریق دیگر کلینی به روایات محمد حلبی، به واسطه مفضل بن صالح و از طریق بنی فضال بوده است. این طریق، به صورت «عدة من أصحابنا/ محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن ابن فضال، عن ابی جمیلة، عن محمد الحلبي» در الکافی گزارش شده است.

هیجده. ابان بن عثمان دیگر راوی کتاب محمد بن علی حلبی است. تعدد راویان از ابان در الکافی، احتمال درج کتاب محمد در کتابی از ابان و سپس انتشار آن در مصنفات اصحاب را به شدت تقویت می‌کند. راویانی چون علی بن الحکم، ابن محبوب، بزنی، برقی و فضالة، از بزرگانی هستند که خود صاحب تألیف بوده‌اند و آثار ارجمندی به ایشان نسبت داده شده است. وجود اسنادی چون «حمید بن زیاد، عن ابن سماعة، عن غیر واحد، عن ابان، عن محمد الحلبي» این احتمال را تأیید می‌نماید.

نوزده. نقل گسترده روایات محمد حلبی در میراث بزرگان فطحیه (در طریق «عده من اصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن أبي جميلة، عن محمد الحلبي») و واقفیه (در طریق «حمید بن زیاد، عن ابن سماعة، عن غير واحد، عن أبان، عن محمد الحلبي») در خور تأمل است. بیست. پیداست که مشکل اصلی در تعیین طریق بودن یک راوی یا اخذ روایت از کتاب او (در مواردی که راویان موجود در طریق خود نیز صاحب کتابی بوده‌اند)، از آنجا ناشی می‌شود که کلینی در نقل روایات خویش به ذکر طریق اکتفا نموده و فهرستی جامع از منابع خود به دست نداده است.

کتابنامه²⁴⁶

- «درنگی در منابع مکتوب الايضاح»، سید محمد عمادی حایری، *فصلنامه علوم حدیث*، ش 39، بهار 1385 ش.
- *فهرست أسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشي)*، احمد بن علی نجاشی، به کوشش: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، هفتم، 1424 ق.
- *فهرست کتب الشيعة و اصولهم و أسماء المصنفين و اصحاب الاصول*، (الفهرست) محمد بن حسن طوسی، به کوشش: سید عبدالعزیز طباطبایی، قم: مکتبه المحقق الطباطبایی، اول، 1420 ق.
- *کتاب من لا يحضره الفقيه*، محمد بن علی بن بابویه (صدوق)، به کوشش: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، دوم، 1404 ق.
- *الكافي*، محمد بن یعقوب کلینی، به کوشش: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، اول، 89 - 1388 ق.

246. در این فهرست تنها به ذکر منابع اصلی بسنده کرده‌ایم. دیگر منابعی که در پانوشته‌ها بدان‌ها ارجاع داده‌ایم، از طریق نرم‌افزار جامع الاحادیث (تولید مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی قم) مورد استفاده قرار گرفته است.